

کتابِ دانیال — نمبر اٹھارہ

گھڑی

Jeff Pippenger

2023-12-13

الہام روشن می سازد کہ باب سوم دانیال، نمودار قانون یک شنبہ در ایالات متحدہ است۔ در باب بیست و سوم اشعیا، فاحشہ صور، کہ با پادشاہان زمین زنا می کند، همان فاحشہ مکاشفہ است کہ با پادشاہان زمین زنا می کند۔ در مکاشفہ ہفدہ، بر پیشانی آن فاحشہ «بابل عظیم» نوشتہ شدہ است۔

اور وہ عورت ارغوانی اور قرمزی لباس پہنے ہوئے تھی، اور سونے اور قیمتی پتھروں اور موتیوں سے آراستہ تھی، اور اُس کے ہاتھ میں سونے کا ایک پیالہ تھا جو اُس کی زناکاری کی مکروہات اور نجاست سے بھرا ہوا تھا۔ اور اُس کے ماتھے پر ایک نام لکھا ہوا تھا: راز، بڑا بابل، کسبیوں کی ماں اور زمین کی مکروہات کی ماں۔ مکاشفہ 17:4، 5۔

پیش از سال ۱۹۵۰، فرهنگ های لغت انگلیسی به درستی زنی را که در این دو آیه نمایانده شده است، کلیسای کاتولیک روم معرفی می کردند۔ تمام جهان، پس از قرون تاریک آزارهای کاتولیکی که از سال ۵۳۸ تا ۱۷۹۸ به انجام رسید، می دانست که کلیسای روم همان فاحشہ ای است کہ با پادشاہان زمین زنا می کند۔ اعلامیہ استقلال به منزله رد حاکمیت کاتولیسیم، و نیز رد حاکمیت پادشاہان زمینی کہ با آن فاحشہ روابطی ناپاک برقرار کردہ بودند، طرح ریزی شدہ بود۔ اشعیا باب بیست و سه تصریح می کند کہ آن فاحشہ به فراموشی سپردہ خواہد شد۔ شما ہرگز در هیچ موتور جست و جوی مدرنی تعریف فاحشہ مکاشفہ ہفدہ را به عنوان کلیسای کاتولیک نخواہید یافت، زیرا کلام خدا ہرگز ساقط نمی شود، و کلام خدا می گوید کہ او به فراموشی سپردہ خواہد شد۔

اور در آن روز واقع خواہد شد کہ صور به مدت ہفتاد سال، بر حسب ایام یک پادشاہ، به فراموشی سپردہ شود؛ و پس از پایان ہفتاد سال، صور مانند فاحشہ ای خواہد خواند۔ ای فاحشہ ای کہ به فراموشی سپردہ شدہ ای، بریطی برگیر و در شہر بگرد؛ نغمہ ای دلنشین بنواز، و سرودہای بسیار بخوان تا به یاد آورده شوی۔ و پس از پایان ہفتاد سال واقع خواہد شد کہ خداوند صور را تفقد خواہد نمود، و او به مزد خویش بازخواہد گشت، و با تمامی ممالک جهان بر روی زمین زنا خواہد کرد۔ و تجارت او و مزد او برای خداوند قدوسیت خواہد بود؛ نہ ذخیرہ خواہد شد و نہ اندوختہ، زیرا تجارت او برای ساکنان در حضور خداوند خواہد بود، تا بہ قدر کفایت بخورند و جامہ پایدار بپوشند۔ اشعیا 23:15-18۔

کلام خدا ہرگز شکست نمی خورد، و از سال 1798، آن فاحشہ به فراموشی سپردہ شدہ است، اما در ایام آخر بہ یاد آورده خواہد شد۔ او ہنگامی بہ یاد آورده می شود کہ سبت روز ہفتم خدا مورد ہجوم قرار گیرد، و آن همان یگانہ فرمان از دہ فرمان است کہ ہموارہ باید بہ یاد آورده می شد۔ او ہنگامی بہ یاد آورده می شود کہ چنگ خود را بردارد، در شہر بگردد و نغمہ های دلنشین و سرودہای بسیار بنوازد۔ او سرودہای خود را در پایان ہفتاد سال، کہ ایام یک پادشاہ است، می خواند۔ پادشاہ، مطابق باب دوم دانیال، یک پادشاہی است۔

و ہر جا کہ فرزندان انسان ساکن اند، جانوران صحرا و پرندگان آسمان را بہ دست تو سپردہ، و تو را بر ہمہ آنها فرمانروا ساختہ است۔ تو همان سر زرین هستی۔ دانیال ۲:۳۸۔

یک «سر» یا یک «پادشاہ»، ہر دو نماد یک پادشاہی هستند۔ پادشاہی ای کہ به وسیلہ «ایام یک پادشاہ» نمایانده شدہ است، ایالات متحدہ است۔ ایالات متحدہ حاکمیت نبوی خود را بہ عنوان وحش

زمین ہنگامی آغاز کرد کہ در سال ۱۷۹۸ آن زخمِ مہلک بر فاحشہٗ بابل وارد آمد۔ این کشور تا زمان قانونِ یکشنبہ همچنان بہ عنوان ششمین پادشاہی نبوتِ کتابِ مقدس ادامہ می‌یابد۔ پادشاہی تحت‌اللفظی نبوتِ کتابِ مقدس کہ در واقع ہفتاد سال حکومت کرد، بابل بود۔

اینک من تمامی خاندان‌های شمال را خواہم فرستاد و برخواہم گرفت، خداوند می‌گوید، و نبوکدنصر، پادشاہ بابل، بندہٗ خویش را؛ و ایشان را بر ضد این سرزمین، و بر ضد ساکنان آن، و بر ضد ہمہٗ این امت‌های پیرامون آن خواہم آورد؛ و آنان را بالکل ہلاک خواہم ساخت، و ایشان را مایہٗ حیرت، و سوتِ استہزا، و ویرانی‌های جاودانہ خواہم گردانید۔ و نیز از میان ایشان آواز شادمانی و آواز مسرت، آواز داماد و آواز عروس، صدای آسیاها و نور چراغ را خواہم گرفت۔ و تمامی این سرزمین ویرانہ و مایہٗ حیرت خواہد شد؛ و این امت‌ها ہفتاد سال پادشاہ بابل را خدمت خواہند نمود۔ و واقع خواہد شد کہ چون ہفتاد سال بہ انجام رسد، آنگاہ پادشاہ بابل و آن امت را، خداوند می‌گوید، بہ سبب گناہشان، و نیز سرزمین کلدانیان را مجازات خواہم کرد، و آن را ویرانی‌های جاودانہ خواہم ساخت۔ ارمیا 25:9-12۔

بابل literal برای ہفتاد سال حکومت کرد و نمادی از آن پادشاہی در ایام آخر بود کہ برای ہفتاد سال نمادین سلطنت خواہد کرد۔ نبوکدنصر، پادشاہ بابل، سہ بار بہ یہودا حملہ کرد۔ نخستین حملہ علیہ یہویاقیم بود، و در آن ہنگام ہفتاد سال نبوت ارمیا آغاز شد۔ این دورہ با مرگ بلشصر پایان یافت، ہنگامی کہ خدا «پادشاہ بابل» را مجازات کرد، همان‌گونہ کہ در آغاز ہفتاد سال، پادشاہ یہویاقیم را مجازات کردہ بود۔ آن پادشاہی نبوی کہ بہ صورت «ایام یک پادشاہ» (یک پادشاہی) بہ مثابہ «ہفتاد سال» معرفی شدہ است، بابل بود؛ و آن پادشاہی نبوتِ کتابِ مقدس کہ در طول ہفتاد سال نمادین، در زمانی کہ فاحشہٗ صور بہ فراموشی سپردہ شدہ است، حکومت می‌کند، وحشِ زمین مکاشفہ باب سیزدہ است۔ انتقال از پنجمین بہ ششمین پادشاہی نبوتِ کتابِ مقدس در سال 1798، بخشی از حقیقتی است کہ یوحنا در مکاشفہ باب سیزدہ ترسیم می‌کند۔

اور میں سمندر کے کنارے کی ریت پر کھڑا ہوا، اور میں نے ایک حیوان کو سمندر میں سے اُبھرتے دیکھا، جس کے سات سر اور دس سینگ تھے، اور اُس کے سینگوں پر دس تاج تھے، اور اُس کے سروں پر کفر کا نام لکھا تھا۔ ... پھر میں نے ایک اور حیوان کو زمین میں سے نکلتے دیکھا؛ اور اُس کے دو سینگ برہ کے مانند تھے، مگر وہ اژدہا کی مانند بولتا تھا۔ مکاشفہ 13:1، 11۔

ساحلی کہ یوحنا در مکاشفہ فصل سیزدہ بر آن ایستادہ بود، نمایانگر سال ۱۷۹۸ است۔

”در زمانی کہ پایت، چون از قوت خود محروم شدہ بود، ناگزیر از دست کشیدن از آزار و جفا گردید، یوحنا قدرتی تازہ را دید کہ برمی‌خاست تا آواز اژدہا را بازتاب دہد و همان کار بی‌رحمانہ و کفرآمیز را ادامہ بخشد۔ این قدرت، آخرین قدرتی کہ با کلیسا و شریعت خدا جنگ خواہد کرد، بہ صورت وحشی یا شاخ‌هایی همانند برہ بہ تصویر کشیدہ شدہ است۔ وحش پیش از آن از دریا برآمدہ بودند؛ اما این یکی از زمین برآمد، و این بیانگر ظہور آرام آن ملتی است کہ آن را مجسم می‌ساخت—ایالات متحدہ۔“ 8، Signs of the Times فورہ 1910۔

دریا سے نکلنے والا حیوان، سمندر کے کنارہٗ ریگ کے ذریعے زمین کے حیوان سے جدا کیا گیا تھا۔ سنہ 1798 میں بائبل نبوت کی پانچویں بادشاہی (ساحل سمندر) ماضی کی تاریخ کی نمائندگی کرتی تھی، اور چھٹی بادشاہی مستقبل کی تاریخ تھی۔ ملریوں نے اس حقیقت کو نہیں دیکھا۔ ولیم ملر کو بت پرستی کی اژدہائی قوت اور اس کے بعد آنے والی اُس بادشاہی کے ساتھ اس کے تعلق کی بصیرت دی گئی تھی، جس کی نمائندگی کیتھولکیت کے حیوان کے طور پر کی گئی ہے۔ مکاشفہ تیرہ، جھوٹے نبی کی کہانی کو منکشف کرتا ہے، یعنی اُن تین قوتوں میں سے تیسری قوت کی، جو دنیا کو آرمگیدون کی طرف لے جاتی ہیں۔ یہ کہانی 1798 کے ساحل سمندر پر شروع ہوتی ہے۔

ایالات متحده تاریخ خود را با نماد برّه آغاز می‌کند، اما تاریخ خود را در حالی به پایان می‌برد که چون اژدها سخن می‌گوید. تاریخ هفتاد سال نمادین سلطنت وحش زمین در یک آیه، در باب سیزدهم مکاشفه، به تصویر کشیده شده است؛ زیرا آن آیه آغاز و پایان وحش زمین را هر دو در یک جمله مشخص می‌سازد.

و دیدم وحشی دیگری از زمین برمی‌آید؛ و او را دو شاخ مانند برّه بود، و چون اژدها سخن می‌گفت. مکاشفه 13:11.

.Quando os Estados Unidos falam como um dragão, promulgam a lei dominical. Antes de levarem a efeito a imposição da adoração dominical, as igrejas apóstatas do protestantismo se unirão e assumirão o controle político do governo apóstata, ao formarem a imagem da besta. Quando a Inspiração identifica (e o faz repetidamente) que a cerimônia de dedicação, por Nabucodonosor, da imagem de ouro representa a lei dominical, está assinalando o fim dos setenta anos simbólicos da besta da terra. Os capítulos um a três de Daniel representam as três mensagens angélicas de Apocalipse capítulo catorze. O terceiro anjo se torna uma verdade viva na lei dominical

به‌طور نبوی، باب‌های یک تا سه کتاب دانیال، نمایانگر هفتاد سال نمادین وحش زمینی مکاشفه سیزده هستند. آزمون خوراکی که در باب یک نشان داده شده است، و نیز نمادگرایی یهوایقیم، مشخص می‌سازند که باب یک، از نظر نبوی، یا توانمندسازی فرشته اول آغاز می‌شود؛ یا در 11 اوت 1840، یا در 11 سپتامبر 2001، در تاریخ فرشته سوم.

بابل امتی است که هفتاد سال فرمان راند، و آن سال‌ها نمایانگر تاریخ ایالات متحده است. هفتاد سال بابل تا مدتی بسیار پس از برپا داشتن تمثال زرین به‌دست نبوکدنصر به پایان نرسید، اما از دیدگاه نبوی، آن هفتاد سال نمادینی که اشعیا در باب بیست‌وسه به‌کار می‌برد، در باب سوم دانیال پایان می‌یابد. هنگامی که ارکستر نبوکدنصر برای مراسم تقدیس موسیقی می‌نوازد، نشان وحش به اجرا گذاشته می‌شود، و در آن هنگام فاحشه‌ی صور و بابل سروده‌های خود را برای پادشاهان زمین آغاز به خواندن می‌کند، در حالی که اسرائیل مرتد سر فرود می‌آورد و به رقص درمی‌آید.

نبوکدنصر پادشاه تمثالی از طلا ساخت که بلندی آن شصت ذراع و پهنای آن شش ذراع بود؛ و آن را در دشت دورا، در ولایت بابل، برپا داشت. آنگاه نبوکدنصر پادشاه فرستاد تا امرای مملکت، والیان، سرداران، داوران، خزانه‌داران، مشیران، حاکمان، و جمیع رؤسای ولایات را گرد آورند تا به مراسم تدشین تمثالی که نبوکدنصر پادشاه برپا کرده بود، حاضر شوند. پس امرای مملکت، والیان، سرداران، داوران، خزانه‌داران، مشیران، حاکمان، و جمیع رؤسای ولایات برای تدشین تمثالی که نبوکدنصر پادشاه برپا کرده بود، گرد آمدند؛ و در برابر تمثالی که نبوکدنصر برپا داشته بود، ایستادند. سپس منادی به آواز بلند ندا درداد: ای قوم‌ها، امت‌ها، و زبان‌ها، به شما فرمان داده می‌شود که چون صدای کرنا، نی، بربط، چنگ، قانون، سنتور، و هر نوع ساز و نوا را بشنوید، به خاک افتاده، تمثال زرینی را که نبوکدنصر پادشاه برپا کرده است، سجده نمایید؛ و هر که به خاک نیفتد و سجده نکند، در همان ساعت به میان کوره‌ای از آتش مشتعل افکنده خواهد شد. از این‌رو، در آن هنگام، چون همه قوم‌ها صدای کرنا، نی، بربط، چنگ، قانون، و هر نوع ساز و نوا را شنیدند، جمیع قوم‌ها، امت‌ها، و زبان‌ها به خاک افتاده، تمثال زرینی را که نبوکدنصر پادشاه برپا کرده بود، سجده نمودند. دانیال ۳:۱-۷.

در آن «زمان»، یا در همان «ساعت»، که همان قانون یک‌شنبه در ایالات متحده است، هر کس که از پرستش آن تمثال زرین امتناع ورزد، «به میان کوره‌ای از آتش سوزان افکنده خواهد شد». تنها کتاب در

عهد عتیق که واژه‌ای را در بر دارد که به «ساعت» ترجمه شده است، کتاب دانیال است. واژه «ساعت» در فصل سه، بیانگر فرارسیدن نشان وحش است. واژه «ساعت» همچنین در فصل چهار، نمایانگر پیام فرشته اول است، زیرا در آنجا نماد هشدار به نبوکدنصر درباره «ساعت» آتی دآوری خداست.

آنگاه دانیال، که نامش بلطشصر بود، تا ساعتی مبهوت ماند و افکارش او را مضطرب ساخت. پادشاه سخن گفت و گفت: «ای بلطشصر، مباد که خواب و تعبیر آن تو را مضطرب سازد.» بلطشصر در پاسخ گفت: «ای سرورم، کاش این خواب نصیب آنان که از تو نفرت دارند می‌بود، و تعبیر آن از آن دشمنانت.» دانیال ۴:۱۹.

دانیال هشدار ساعت دآوری آینده خدا را به نبوکدنصر ارائه کرد؛ هشدار که نبوکدنصر بعدها آن را رد کرد. پس «ساعت» در باب چهارم، هنگامی که بار دیگر در همان باب به کار می‌رود، نمایانگر «ساعتی» است که دآوری در آن فرارسید. در تاریخ میلری، نخستین «ساعت» در باب چهارم، نمایانگر ظهور فرشته اول در سال 1798 است. آن پیام هنگامی به انجام رسید که دآوری تحقیقی در 22 اکتبر 1844 آغاز شد. «ساعت» در باب چهارم، نخست نمادی از پیامی درباره دآوری آینده است و سپس به عنوان نمادی به کار می‌رود که نشان می‌دهد دآوری فرارسیده است. نخستین کاربرد واژه «ساعت» نمایانگر 1798 و ظهور فرشته اول است، و دومین کاربرد آن نمایانگر 22 اکتبر 1844 و ظهور فرشته سوم است.

در همان ساعت آن امر بر نبوکدنصر واقع شد؛ و او از میان آدمیان رانده شد، و چون گاو ان علف می‌خورد، و بدنش از شبنم آسمان تر می‌شد، تا آنکه موهایش مانند پره‌ای عقابان بلند گردید، و ناخن‌هایش چون چنگال‌های پرندگان شد. دانیال ۴:۳۳.

بنا بر این، «ساعت» در فصل چهارم نماد هم‌زمان ۱۷۹۸ و ۱۸۴۴ است؛ که نقاط پایانی دو لعنت «هفت زمان» بر پادشاهی‌های شمالی اسرائیل (که در ۷۲۳ ق.م. آغاز شد) و جنوبی اسرائیل (که در ۶۷۷ ق.م. آغاز شد) به شمار می‌آیند. این دو لعنت، که نمایانگر دو هزار و پانصد و بیست سال پراکندگی و بندگی‌اند، اجرای نخستین و آخرین غضب خدا را بر قوم مرتد او نشان می‌دهند. هر دوی آن‌ها با دآوری خدا آغاز شدند، و پایان‌های مربوط به هر یک، پیام هشدار دآوری تحقیقی قریب‌الوقوع خدا، یا فرارسیدن دآوری تحقیقی را نمایندگی می‌کنند. هر دو دآوری‌ای که با پایان این دو دآوری «هفت زمان» نمایانده شده‌اند، در فصل چهارم دانیال با واژه «ساعت» بازنمایی شده‌اند.

در تاریخ میلریتی، «ساعت» نمایانگر آغاز جنبش در زمان آخر در سال 1798 است، هنگامی که فرشته اول آمد؛ و «ساعت» دوم در باب چهارم نمایانگر پایان جنبش است، هنگامی که فرشته سوم در 22 اکتبر 1844 آمد. جنبش میلریتی فرشته اول در جنبش فرشته سوم تکرار می‌شود؛ از این‌رو، دو کاربرد «ساعت» در باب چهارم نیز زمان آخر را در سال 1989، و نیز قانون یکشنبه‌ای نزدیک‌الوقوع را مشخص می‌سازند. جنبش میلریتی فرشته اول گشایش دآوری تحقیقی را اعلام کرد، و جنبش فرشته سوم گشایش دآوری اجرایی خدا را اعلام می‌کند؛ دآوری‌ای که تدریجی است، از قانون یکشنبه آغاز می‌شود، و تا آمدن ثانوی مسیح ادامه یافته و شدت می‌گیرد.

ما به مطالعه خود در فصل سوم دانیال ادامه خواهیم داد، و بررسی واژه «ساعت» را در مقاله بعدی به پایان خواهیم رساند.

هان، من شما را چون گوسفندان در میان گرگان می‌فرستم؛ پس چون ماران هوشیار و چون کبوتران بی‌آزار باشید. اما از مردم برحذر باشید، زیرا شما را به شوراها خواهند سپرد و در کنیسه‌های خود تازیانه خواهند زد؛ و به خاطر من، شما را نزد والیان و پادشاهان خواهند برد تا برای ایشان و امت‌ها شهادتی باشد. لیکن هنگامی که شما را تسلیم کنند، اندیشه مکنید که چگونه

یا چه بگویید، زیرا در همان ساعت آنچه باید بگویید به شما عطا خواهد شد. زیرا گوییده شما نیستید، بلکه روح پدر شماست که در شما سخن می‌گوید. و برادر، برادر را به مرگ تسلیم خواهد کرد، و پدر، فرزند را؛ و فرزندان بر والدین خود خواهند شورید و باعث کشته شدن ایشان خواهند شد. و به سبب نام من، همه از شما نفرت خواهند داشت؛ اما آن که تا به انتها پایداری کند، نجات خواهد یافت. و چون در این شهر بر شما جفا کنند، به شهری دیگر بگریزید؛ زیرا هرآینه به شما می‌گویم، هنوز شهرهای اسرائیل را به پایان نرسانده‌اید که پسر انسان خواهد آمد. شاگرد از استاد خود برتر نیست، و نه غلام از آقای خویش. شاگرد را بس است که مانند استاد خود باشد، و غلام را که مانند آقای خویش. اگر صاحب‌خانه را بعلزبول خوانده‌اند، اهل خانه‌اش را چه بسیار بیشتر چنین خواهند خواند؟ پس از ایشان مترسید، زیرا هیچ چیز پوشیده‌ای نیست که آشکار نخواهد شد، و نهان نیست که دانسته نخواهد گردید. آنچه در تاریکی به شما می‌گویم، در روشنایی بگویید؛ و آنچه در گوش می‌شنوید، بر بام‌ها موعظه کنید. و از آنان که جسم را می‌کشند اما قادر به کشتن جان نیستند مترسید؛ بلکه از او بترسید که قادر است هم جان و هم جسم را در جهنم هلاک کند. متی ۱۰:۲۸-۳۱.